

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی

موضوع :

حساب جاری در حقوق بانکی ایران

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر کاویانی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر سید الماسی

نگارنده :

مهدی ناصری

۱۳۸۷-۱۳۸۸

بانشکر از اساتید محترم:

جناب آقای دکتر کاویانی؛

جناب آقای دکتر سید الماسی؛

و جناب آقای دکتر مسعودی

که اثر حاضر محصول راهنمایی و همکاری آن بزرگواران است.

و بانشکر ویژه از همسر صبورم بخاطر شکیبایی اش

۱ <u>مقدمه و تاریخچه</u>
۹ <u>فصل اول – تعریف و ماهیت قرارداد حساب جاری</u>
۱۰بخش اول – تعریف قرارداد حساب جاری.....
۱۵بخش دوم – ماهیت قرارداد حساب جاری.....
۴۴ <u>فصل دوم – طرفین قرارداد حساب جاری</u>
۴۵بخش اول – بانک.....
۵۱بخش دوم – صاحب حساب.....
۵۷بخش سوم – اشخاص ثالث مرتبط با قرارداد حساب جاری.....
۶۲ <u>فصل سوم – انعقاد قرارداد حساب جاری</u>
۶۳بخش اول – مفاد توافق طرفین.....
۶۶بخش دوم – شرایط اساسی صحت معامله در قرارداد حساب جاری.....
۷۷بخش سوم – شرایط ویژه قرارداد حساب جاری.....
۸۴بخش چهارم – ضمانت اجرای شروط انعقاد قرارداد حساب جاری.....

۸۹ <u>فصل چهارم – آثار قرارداد حساب جاری</u>
۹۲ بخش اول – تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی
۹۷ بخش دوم – انتقال مالکیت وجوه واریزی به بانک
۱۰۰ بخش سوم – تعهد بانک به استرداد مثل وجوه
۱۱۶ بخش چهارم – آثار ضمنی قرارداد حساب جاری
۱۱۹ <u>فصل پنجم – انحلال قرارداد حساب جاری</u>
۱۲۰ بخش اول – انحلال ارادی قرارداد حساب جاری
۱۲۳ بخش دوم – انحلال قهری قرارداد حساب جاری
۱۳۵ بخش سوم – آثار انحلال قرارداد حساب جاری
۱۳۸ <u>نتیجهٔ مباحث</u>

مقدمه و تاریخچه

در این بخش می خوانیم:

طرح موضوع

تعریف لغوی و حقوقی بانک

تعریف و جایگاه حقوق بانکی در میان شعب حقوق و قواعد حاکم بر این رشته

گستره معنایی اصطلاح حساب جاری

تاریخچه حساب جاری در جهان

تاریخچه حساب جاری در ایران

طرح موضوع

یکی از طرق تجهیز منابع پولی بانکها ، جذب سپرده ها از طریق انعقاد قرارداد " سپرده قرض الحسنه جاری" می باشد که اختصاراً قرارداد " حساب جاری " نامیده می شود. در آثار حقوقی موجود در این زمینه غالباً رابطه میان صادرکننده و دارنده چک و حقوق و وظایف متقابل این دو طرف بررسی گردیده لیکن بررسی رابطه میان صادرکننده چک (صاحب حساب جاری) و بانک محال علیه و حقوق و وظایف متقابل دو طرف این قرارداد غالباً مغفول واقع گردیده است. بنابراین دراین تحقیق در حد توان تلاش می شود به بررسی همه جانبه قرارداد حساب جاری و روابط طرفین این قرارداد پرداخته شود.

از آنجا که امروزه جهت دریافت وجوه موجود در حساب جاری غالباً از چک استفاده می شود ، در بررسی روابط حقوقی طرفین قرارداد حساب جاری ناگزیر از بررسی برخی جوانب چک خواهیم بود لیکن چک از موضوعات محوری این تحقیق نخواهد بود.

نظر به اینکه هدف از این تحقیق توصیف یک قرارداد و روابط طرفین آن می باشد لذا همانند هر تحقیق توصیفی دیگر ، طرح سؤال و فرضیه از کارایی و نتیجه مناسب برخوردار نخواهد بود.

در ادامه به ارایه تعاریف مقدماتی و تاریخچه حساب جاری خواهیم پرداخت سپس در فصل اول به تعریف و بررسی ماهیت قرارداد حساب جاری خواهیم پرداخت. در فصل دوم طرفین این قرارداد یعنی بانک و صاحب حساب را مورد ملاحظه قرار داده و نقش اشخاص ثالث در این قرارداد را بررسی خواهیم نمود. در فصل سوم شرایط اساسی و ویژه انعقاد قرارداد حساب جاری و ضمانت اجرای این شرایط را بررسی خواهیم کرد. در فصل چهارم آثار این قرارداد را بر شمرده و در فصل آخر حالات مختلف انحلال این قرارداد یعنی انحلال ارادی و قهری را بررسی خواهیم کرد.

تعریف لغوی و حقوقی بانک

واژه "بانک" را برخی از لغت آلمانی "Bank" و برخی دیگر از لغت ایتالیایی "Banco" به معنای میز (جلو خان) دکه یا محل کسب صرافان، مقتبس دانسته اند.^۱

ماده یک قانون بانکداری مصوب ۱۳۳۴ بانک را اینگونه تعریف نموده است: «بانک مؤسسه ای است که به صورت شرکت سهامی، مطابق قانون تجارت تشکیل شده و بر اساس مواد قانون یاد شده به عملیات بانکی اشتغال ورزد.» چنین تعریفی از آن حیث که مؤسسات مالی و اعتباری را نیز در بر می گیرد از مانعیت برخوردار نمی باشد. قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۳۹ نیز به تکرار همین تعریف کلی و ناقص پرداخته لیکن قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، که ناسخ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۳۹ می باشد، بطور کلی از تعریف بانک امتناع نموده و صرفاً حکم به تشکیل آن در قالب شرکت سهامی عام، با سهام با نام، داده است.

اما نویسندگان حقوق بانکی این نقص قانون در تعریف بانک را جبران نموده و تعاریف فراوانی در این زمینه ارائه نموده اند که در اینجا به ذکر دو مورد از این تعاریف بسنده می شود:

۱ - «بانک مؤسسه ای تجاری است که با تجهیز منابع از طریق جذب سپرده های مردم با هدف کسب و تحصیل سود، مبادرت به سرمایه گذاری یا اعطای اعتبار می نماید و به علاوه خدمات مالی دیگری نیز به مشتریان خود ارائه می دهد.»^۲

۲ - «بانک مؤسسه ای تجاری است که به جمع آوری و تجهیز وجوه مازاد اشخاص و تخصیص و مصرف بهینه آن در جهت سیاستهای کلی اعتباری و اقتصادی کلان کشور اقدام و همچنین موجبات تسهیل در پرداخت ها و انجام سایر خدمات بانکی را در چهار چوب قوانین و مقررات فراهم می سازد.»^۳ از مجموع

^۱ (خاوری، محمود، حقوق بانکی، صفحه ۱۳۶)

^۲ (مسعودی، علیرضا، حقوق بانکی، صفحه ۲)

^۳ (خاوری، محمود، همان کتاب، صفحه ۱۳۷)

تعاریف ارائه شده توسط نویسندگان حقوق بانکی می توان دو وظیفه کلی و اساسی را برای بانکها متصور بود: ۱- جذب و تجهیز منابع پولی ۲- اعطای تسهیلات (تخصیص منابع)

تعریف و جایگاه حقوق بانکی در میان شعب حقوق و قواعد حاکم بر این

رشته

حقوق بانکی را می توان اینگونه تعریف کرد: مجموعه قواعد و مقررات ناظر به نحوه تشکیل و فعالیت بانکها و نیز روابط حقوقی هر بانک با بانک مرکزی و مشتریان.

ضرورت دارد که در همین ابتدای تحقیق جایگاه حقوق بانکی در تقسیم بندی مرسوم شعب حقوقی و نیز قواعد حاکم بر این رشته حقوق مورد بحث قرار گیرد زیرا بدون شناخت دقیق جایگاه حقوق بانکی و قواعد حاکم بر آن تحلیل دقیق قرارداد حساب جاری بعنوان یکی از قراردادهای بانکی و قواعد و مقررات حاکم بر روابط طرفین این قرارداد یعنی بانک و صاحب حساب امکانپذیر نمی باشد. به عبارت دقیقتر ابتدا قصد داریم مطمئن شویم که آیا قرارداد حساب جاری بطور کامل تابع اراده متعاقدين و توافقات آنهاست و یا اینکه دولت اراده خویش را در اجرای این قرارداد تحمیل نموده و اصل حاکمیت اراده و تساوی اراده طرفین قرارداد را مخدوش می نماید؟

همانگونه که می دانیم ویژگی حقوق عمومی آن است که قواعد آن یکجانبه و آمرانه هستند حال آنکه در حقوق خصوصی اصل بر تساوی حاکمیت اراده افراد است بطوریکه هیچ اراده ای بر اراده دیگر تفوق و برتری ندارد و هیچ کس را نمی توان مجبور به عملی نمود و روابط افراد بر توافق و قرارداد مبتنی است حال آنکه در حقوق عمومی اصل بر آن است که اعمال حقوقی دولت یکجانبه و لازم الاجرا هستند بدون اینکه رضایت طرف مقابل شرط باشد.^۱

ماده ۲ قانون تجارت در بند ۷ خویش هر قسم عملیات صرافی و بانکی را از اعمال ذاتاً تجاری تلقی نموده و ماده یک همین قانون هر شخصی را که شغل معمولی خویش را معاملات تجاری قرار دهد تاجر تلقی نموده

۱) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، صفحه ۲۶۰

است فلذا می بایست بانک را تاجر و عملیات بانکی را معاملاتی تجاری و مشمول حقوق تجارت که از زیر مجموعه های سنتی حقوق خصوصی است دانست و نتیجتاً قرارداد حساب جاری را تابع اصول و قواعد حاکم بر قراردادها از جمله اصل آزادی اراده دانست. لیکن با تدقیق در سیستم های کنونی بانکداری علی الخصوص در کشورمان با این سؤال مواجه می شویم که آیا کماکان حقوق بانکی را می بایست از زیر مجموعه های حقوق خصوصی تلقی نمود؟

دولت و علی الخصوص بانک مرکزی به عملیات بانکی بعنوان ابزاری در جهت اجرای سیاستهای اقتصادی و عمومی خویش نگاه می کند. سیاست هایی از قبیل سیاستهای پولی انبساطی در دوره رکود و سیاستهای پولی انقباضی در دوره تورم عمدتاً از طریق بانکها اجرا می شوند. چنین ملاحظاتی منتهی به این نتیجه گیری می شود که دولت از طریق نظام بانکی به اعمال حاکمیت می پردازد.^۱ فلذا به نظر می رسد حقوق بانکی از شاخه های حقوق عمومی است و به تبع آن قرارداد حساب جاری و روابط طرفین آن را نیز می بایست بر اساس قواعد حقوق عمومی تحلیل نمود و نه قواعد حقوق قراردادها و اصل آزادی اراده. اما بر تلقی حقوق بانکی به عنوان زیر مجموعه حقوق عمومی ایرادات فراوانی وارد شده است که مهمترین آنها بر ضابطه « هدف از فعالیت» مبتنی است. توضیح اینکه هرگاه هدف از انجام یک فعالیت حفظ و تأمین منافع عمومی باشد، قواعد حقوق عمومی از آن فعالیت حمایت می کند حال چه این فعالیت عام المنفعه توسط دولت صورت پذیرد یا اشخاص حقوقی دیگر نظیر کانون وکلاء یا سندیکاهای کارگری یا بانک های خصوصی

^۱ (چنین حکمی مختص بانکهای دولتی نبوده و در مورد بانکهای خصوصی نیز صادق است مطابق ماده واحده موسوم به « قانون اجازه تأسیس بانکهای غیر دولتی» مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ اعمال حاکمیت از طریق سیاستگذار پولهی و بانکی کماکان در اختیار دولت بوده و بانکهای خصوصی می بایست ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانکها را همچون بانکهای دولتی رعایت نمایند از طرف دیگر خصوصی بودن این بانکها خللی در ماهیت فعالیت ایجاد نمی کند زیرا همانگونه که در حقوق اداری پیش بینی گردیده گاهی دولتها می توانند انجام برخی فعالیت ها و امور عمومی را به اشخاص خصوصی واگذار کنند و دولت خود صرفاً بر انجام آن نظارت نماید. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، همان کتاب، صفحه ۲۶۳

و ... اما چنانچه هدف از یک فعالیت کسب سود و تجارت یا اداره اموال خود باشد تابع قواعد حقوق خصوصی می باشد حال چه توسط دولت انجام پذیرد یا اشخاص حقوق خصوصی.^۱

نهایتاً به نظر می رسد از آنجا که در حقوق بانکی عمده بحث در خصوص قواعد و مقررات ناظر به عملیات بانکی میان بانک و مشتری است و غالباً در این گونه عملیات هدف بانک کسب سود و تجارت است فلذا می توان حقوق بانکی را از شعب حقوق خصوصی تلقی نموده و به تبع آن قرارداد حساب جاری را نیز تابع قواعد حقوق خصوصی و اصل آزادی اراده و تساوی طرفین قرارداد محسوب نمود.

گستره معنایی اصطلاح حساب جاری

معنای عام حساب جاری عبارت است از کلیه معاملات و عملیات مالی میان دو شخص اعم از حقیقی یا حقوقی و تاجر یا غیر تاجر لیکن این اصطلاح بلحاظ کثرت استعمال بیشتر روابط میان بانک و صاحب حساب جاری را متبادر به ذهن می نماید که این معنای خاص از مصادیق همان تعریف فوق است. اصطلاح حساب جاری در حقوق بانکی به معنای کلیه معاملات و مبادلات مالی میان بانک و صاحب حساب جاری تعریف گردیده است.^۲

به نظر می رسد چنین تعریفی از مانعیت برخوردار نبوده و تمامی انواع حسابهای بانکی را در بر می گیرد زیرا در تمامی انواع حسابهای بانکی میان بانک و مشتری معاملات و مبادلات مالی در جریان است. وجه ممیز حساب جاری از دیگر انواع حسابهای بانکی در تعریف قرارداد حساب جاری که متعاقباً بیان می گردد ، نمایان خواهد گردید.

^۱ (ناصرکاتوزیان ، کلیات حقوق ، نظریه عمومی ، صفحات ۲۶۴ و ۲۶۵)

^۲ (کریم کیایی ، حساب جاری ، صفحه ۳)

تاریخچه حساب جاری در جهان

چنانچه از آثار موجود مشهود است، حساب جاری به معنای عام در بین اقوام مختلف از قبیل بابلیها، یونانیها و رومیها متداول بوده است. علاوه بر این حساب جاری به معنای خاص و به عنوان یکی از فعالیت های متداول بانکی در بانکهای بابل، یونان و روم متداول بوده است به نحوی که بانکداران، علی الخصوص بانکداران رومی، عملیات مشتریان را یادداشت نموده و این عملیات مرتباً در دفاتر تجاری بانک ثبت شده و مانده این حسابها از طرف صاحب آن همواره قابل مطالبه بوده است.^۱

برخی از حقوقدانان فرانسوی سعی کرده اند مبنا و آثار حقوقی فعلی مترتب بر قرارداد حساب جاری را به عملیات حساب جاری در یونان و روم مرتبط سازند اما واقعیت آنست که تا قبل از نیمه دوم قرن نوزدهم عملیات حساب جاری در بانکها صرفاً جنبه حسابداری داشته و به جنبه های حقوقی آن به عنوان یک قرارداد توجه نمی گردیده و صرفاً به نحو عملی بین بانک و صاحب حساب متداول بوده است. لذا می توان گفت اگر چه حساب جاری از لحاظ عملی بسیار قدیمی بوده و تا حدود ۲۰ قرن قبل از میلاد مسیح نیز سابقه داشته است لیکن از لحاظ حقوقی نوپا بوده و از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است که حقوقدانان در تألیفات خویش به جنبه های حقوقی آن توجه نموده و کم کم متناسب با نیازها و مشکلاتی که در این خصوص ایجاد گردیده، کشورهای اروپایی مبادرت به وضع قوانین در این مورد نموده اند.

تاریخچه حساب جاری در ایران

هم اکنون در ایران عمدتاً دو قانون به تنظیم نحوه فعالیت بانکها می پردازند: «قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸» که جایگزین «قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۳۹» گردیده و دیگری «قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸».

^۱ کیایی، کریم، همان کتاب، صفحات ۸ و ۹

اولین قانونی که در ایران به حساب جاری اشاره نموده است «قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صنعت» مصوب ۱۳۰۶/۴/۱۴ مجلس شورای ملی می باشد. ماده پنجم این قانون که بواسطه «قانون افزایش سرمایه بانک ملی» مصوب ۱۳۱۴/۴/۷ و ملی شدن بانکها نسخ شده است، مقرر می داشت: «بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و...»^۱ در قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹/۳/۱۳ و نیز قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ هیچ اشاره ای به قرارداد حساب جاری نشده است اما بند ۳ ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از اهداف نظام بانکی را ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد، اندوخته ها، پس اندازها، سپرده ها و... می داند همچنین بند (۸) ماده ۲ همین قانون یکی از وظایف نظام بانکی را افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و... می داند.

بطور کلی فعالیت بانکها را در دو بخش می توان تعریف نمود: اول جذب و تجهیز منابع پولی و دوم اعطای تسهیلات. ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از روشهای جلب منابع پولی را قبول سپرده های قرض الحسنه جاری معرفی نموده است و ماده ۴ همین قانون نیز بانکها را مکلف به باز پرداخت اصل سپرده های قرض الحسنه جاری نموده است. در ماده ۵۵۹ قانون مدنی نیز امکان اجرای مضاربه در حساب جاری پیش بینی شده است. غیر از موارد فوق اشاره قانونی دیگری به حساب جاری مشاهده نمی گردد.

^۱ (مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۷۰، جلد اول، صفحه ۴۴)

فصل اول: تعریف و ماهیت قرارداد حساب جاری

بخش اول: تعریف قرارداد حساب جاری

در این بخش می خوانیم:

- حساب جاری در معنای عام
- حساب جاری در معنای خاص

حساب جاری در معنای عام

همانگونه که در مقدمه نیز اشاره شد «حساب جاری» معنایی وسیع تر از معنای مصطلح در حقوق بانکی دارد. در واقع به هر نوع صورت معاملات و مبادلات میان دو شخص اعم از بازرگان و غیر بازرگان حساب جاری اطلاق می شود. در گذشته حساب جاری چیزی بیش از یک تابلوی حاوی ستون بدهکار و بستانکار ناشی از معاملات میان دو شخص نبوده است و در آن زمان به حساب جاری صرفاً از حیث جنبه های حسابداری آن توجه می شد. بعنوان مثال «مرلن» از مؤلفین فرانسوی قرن نوزدهم حساب جاری را از حیث تجاری و بانکی اینگونه تعریف نموده است: «در اصطلاح تجارتی حساب جاری نماینده وضع دو بازرگان در روابط فیما بین و بدهکاری و بستانکاری مشترک آنها است و در اصطلاح بانکی عبارت از پرداخت های متقابل طرفین و بروات صادر عهده یکدیگر می باشد.»^۱ اما امروزه تمامی حقوقدانان برای حساب جاری ماهیت قرار دادی قائلند و صرفنظر از اختلاف نظرهای فراوانی که در خصوص تعیین نوع و ماهیت این قرارداد وجود دارد، به اتفاق آنرا در زمره عقود محسوب می نمایند.

از حساب جاری در معنای عام آن تعاریف حقوقی فراوانی ارائه گردیده که جهت جلوگیری از تطویل کلام صرفاً دو مورد از آنها را ذکر می کنیم:

ژرژ ریپر و امانوئل ورژه در جلد اول کتاب حقوق تجارت خود که در سال ۱۹۵۶ منتشر گردید حساب جاری را عقدی تعریف نموده اند که به موجب آن دو شخص در روابط معاملاتی خود توافق می کنند مجموع عملیات فی مابین را در حساب واحدی بصورت پرداخت های بدهکار و بستانکار ثبت نمایند.^۲

^۱ کریم کیایی، همان کتاب، صفحه ۱۳

^۲ کریم کیایی، همان کتاب، صفحه ۱۵

یکی از مؤلفین ایرانی پس از ارائه تعاریف مختلف از حساب جاری در نهایت حساب جاری را قراردادی معرفی می کند «... که بموجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند تمام یا قسمتی از عملیات و دریافت ها و پرداخت های خود را در حسابی به این نام انجام دهند.»^۱

حساب جاری در معنای خاص

تعاریف فوق به معنای عام حساب جاری، بدون ملاحظه فرضی که یک طرف قرارداد بانک باشد، پرداخته اند لیکن آنچه موضوع این تحقیق می باشد قرارداد حساب جاری ای است که یک طرف آن شخص حقوقی ای بنام بانک می باشد. حساب جاری در این معنای خاص در فرهنگ دهخدا به حسابی تعبیر شده است که «... در بانکها بنام اشخاص باز می گردد و شرایط نقل و انتقال وجوه سپرده در این حساب آسان می باشد و معمولاً سودی برای آن منظور نمی شود.»^۲

این حساب در زبان انگلیسی مترادف با اصطلاح «current account» یا «checking account» به معنای نوعی حساب بانکی است که معمولاً بدون بهره است و صاحب حساب با کشیدن چک از آن برداشت می کند و یا پرداخت های خود را انجام می دهد.^۳ همچنین در تعریفی دیگر حساب جاری نوعی حساب فعال قلمداد گردیده است که در قالب آن مکرراً عملیات صدور چک و پرداخت مطالبات صورت می پذیرد و این نوع حساب را در مقابل حسابهای سپرده قرار می دهند که در آنها عادتاً نه چکی صادر می شود و نه حساب متناوباً کار می کند.^۴

^۱ (کیایی، کریم، همان کتاب، صفحه ۱۵)

^۲ (دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، جلد ۲، صفحه ۵۲۶)

^۳ (گلریز، حسن، فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین المللی، صفحه ۱۰۲)

این تعاریف، تعاریفی فنی و از منظر بانکداری بوده و به جنبه های حقوقی اشاره ندارد. یکی از نویسندگان حقوقی کشورمان این نوع حساب را از دید حقوقی حسابی دانسته است که مشتری در بانک دارد و پولی از جانب خویش به عنوان آن حساب نزد بانک امانت گذاشته و ممکن است تدریجاً مبلغی به آن افزوده و یا بوسیله چک از آن برداشت نماید.^۱ در ادامه خواهیم دید چنین تعبیری از حساب جاری به شدت مورد مناقشه و تردید است.

ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ از حساب جاری تحت عنوان « سپرده قرض الحسنه جاری » نام برده است. این عنوان ترکیبی از دو مفهوم نامتجانس است زیرا «سپرده» طبیعتاً گونه ای از ودیعه و امانت است. حال آنکه «قرض الحسنه»^۲ به عقد قرض در قانون مدنی اشاره دارد.^۳ در عرف بانکداری بجای استفاده از عنوان نامأنوس فوق از عنوان « سپرده دیداری » استفاده و در تعریف آن گفته شده سپرده دیداری سپرده ای است که به حساب جاری مشتری بانک منظور می گردد و این طلب از بانک همیشه حال بوده و دارنده آن هر زمان بخواهد می تواند از طریق صدور چک یا دستور انتقال وجه به حساب دیگر تمام سپرده یا قسمتی از آن را دریافت نماید.^۴

ارائه یک تعریف حقوقی دقیق از قرارداد حساب جاری در معنای خاص منوط به شناخت ماهیت دقیق این قرارداد است که در بخش بعدی به آن می پردازیم لیکن چنانچه بخواهیم در جمع بندی و تکمیل تعاریف فوق تعریفی از قرارداد حساب جاری ارائه نمائیم، بنظر می رسد قرارداد حساب جاری قراردادی است که

^۱ (جعفری لنگرودی، محمد جعفر ، ترمینو لوژی حقوق ، صفحه ۲۱۴

^۲ (اصطلاح « قرض الحسنه » علیرغم رواج در میان مردم از نظر قواعد زبان عربی نادرست است زیرا «قرض» اسم مذکر و «الحسنه» صفت مؤنث است حال آنکه صفت و موصوف می بایست از حیث جنس مطابقت داشته باشند. کاشانی، محمود ،

مقاله نارسایی های حقوقی بانکداری در ایران، مجله تحقیقات حقوقی ، شماره ۴۲، صفحه ۳۵

^۳ (کاشانی ، محمود ، مقاله بررسی حقوقی چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هشتمین سمینار بانکداری، صفحه ۱۰۰

^۴ (محمدی ، ولی اله ، بانک و عملیات بانکی ، صفحه ۴۶

مطابق آن بانک و مشتری (صاحب حساب) توافق می‌کنند که حسابی معین تحت عنوان «حساب جاری» بنام مشتری (صاحب حساب) در بانک افتتاح گشته و بانک تعهد می‌نماید کلیه وجوه واریزی به این حساب را بپذیرد و تمام یا بخشی از معادل آن وجوه را حسب دستور مشتری به وی یا هر شخص دیگر دارنده چک بپردازد.

بخش دوم – ماهیت قرارداد حساب جاری

در این بخش می خوانیم:

- ضرورت‌های تشخیص ماهیت قرارداد حساب جاری
- نظریات مختلف در خصوص ماهیت قرارداد حساب جاری
- تعریف و اقسام پول
- نظریه ودیعه تلقی کردن قرارداد حساب جاری
- اشتراکات قرارداد حساب جاری و عقد و دیعه
- ودیعه خلاف قاعده
- ایرادات وارده به نظریه ودیعه تلقی کردن قرارداد حساب جاری
- تئوری قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری
- ایرادات وارده به نظریه قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری
- قرارداد حساب جاری به عنوان یک عقد نامعین
- نتیجه مباحث فوق
- قرارداد حساب جاری؛ مدنی یا تجاری
- قرارداد حساب جاری؛ عهده‌ای یا تملیکی
- قرارداد حساب جاری؛ مطلق یا مشروط
- قرارداد حساب جاری؛ منجر یا معلق
- قرارداد حساب جاری؛ لازم یا جایز
- قرارداد حساب جاری؛ با گفتگوی آزاد یا الحاقی

ضرورت‌های تشخیص ماهیت قرارداد حساب جاری

تشخیص ماهیت قرارداد حساب جاری از ضرورت‌های اساسی این تحقیق می باشد زیرا بدون تشخیص ماهیت این قرارداد ادامه بحث و پاسخ به سؤالات مربوط به شرایط انعقاد، آثار این قرارداد، حقوق و تکالیف متقابل طرفین این قرارداد و... امکانپذیر نیست بعنوان مثال پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه انتقال مالکیت پرداختها در این قرارداد در چه زمانی رخ می دهد؟ ید بانک نسبت به وجوه دریافتی از صاحب حساب امانی است یا مالکانه؟ حق صاحب حساب پس از پرداخت در مقابل بانک حقی عینی است یا دینی؟ بانک در قبال تلف وجوه دریافتی تا چه حد مسؤول است؟ و... همگی در گرو تعیین نوع و ماهیت این قرارداد می باشد. اولین گام در شناخت ماهیت یک قرارداد پاسخ به این سؤال است که با توجه به قصد مشترک طرفین و نوع تعهدات آنها آیا عقد مورد نظر را می توان با یکی از عقود معین تطبیق داد؟ در تعریف عقد معین گفته شده است: «عقدی است که در قانون عنوان معین دارد و قانونگذار بلحاظ اهمیت و کثرت استعمال در عرف، شرایط و آثار آن را معین کرده است مانند بیع و اجاره و قرض و صلح و شرکت و ضمان و ...»^۱ اما در مقابل عقود نامعین در قانون عنوان خاصی نداشته و تعریف، شرایط انعقاد و آثار آنها در قانون مسکوت مانده و لاجرم می بایست با تمسک به اصول حقوقی و قواعد عمومی قراردادها، شرایط انعقاد و آثار آنها را شناخت.

نظریات مختلف در خصوص ماهیت قرارداد حساب جاری

در خصوص قرارداد حساب جاری نیز می بایست فارغ از عنوان آن بررسی نمود که با توجه به قصد مشترک طرفین، این قرارداد با عقد معین خاصی تطابق دارد یا خیر. چنانچه پاسخ مثبت باشد کار بررسی این قرارداد از دو حیث آسان خواهد بود: اول اینکه قواعد ویژه این قرارداد و شرایط انعقاد آن صراحتاً در قانون پیش بینی شده است و دوم اینکه در صورت سکوت طرفین همین قانون مکمل قصد و اراده مشترک طرفین خواهد بود لیکن چنانچه قرارداد حساب جاری قابلیت تطبیق با هیچیک از عقود معین را

^۱ (کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، صفحه ۳۰